

دین
و حشمت انداز گامی نو

پی، آلتون میلتوون یی بیکر محمد گنھا وزن

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۱	یادداشت مترجم
۱۹	دین
۱۹	تعریف عام دین و مشخصه های آن
۲۴	مشخصه های اختصاصی دین
۲۵	روابط درونی مشخصات
۲۶	تعریف بر حسب مشخصات
۳۰	انواع دین
۳۰	موطن و محل اله
۳۳	واکنش نسبت به خدا
۳۵	وضع و موقع آموزه
۳۷	انطباق دقیق

زبان دینی ۴۱
مفهوم محمولهای کلامی ۴۳
اشتقاق و استعمال ۴۳
تحقیق پذیری گزاره‌های کلامی ۴۶
آیا گزاره‌های کلامی به حیث تجربی آزمایش پذیرند؟ ۴۸
آیا گزاره‌های دینی حکایت از واقع دارند؟ ۵۰
تفسیرهای غیر اخباری ۵۰
ابراز احساسات ۵۲
بیانات نمادین ۵۳
تفسیر شعائیری ۵۵
اسطوره‌ها ۵۷
عرفان ۵۸
منابع و مأخذ ۶۲
تبیین های روان‌شناسی از دین ۶۵
تبیین فروید ۶۷
نقدهایی بر تبیین فروید ۷۰
منابع و مأخذ ۷۵
احیای طبیعت گرایانه دین ۷۷
منابع و مأخذ ۸۶

۸۷	دین و علم
۹۶	آیا علم معتقدات دینی را ابطال می کند؟
۹۹	تأثیر علم بر دین
۱۰۲	دین و تعلیم و تربیت
۱۰۳	تأثیرات تعلیم و تربیت کلیسا ای در میان کاتولیک های آمریکایی
۱۰۷	ارزش های دینی و کارکرد آموزشی
۱۰۹	پی نوشت های دین و علم
۱۱۳	دین و نیازهای فرد (۱) راه هایی نوبه سمت رستگاری
۱۱۵	دین و تنهایی جامعه جدید
۱۱۷	جنبیش گروه آکسفورد
۱۱۹	راهنمایی هایی جهت مطمئن زیستن
۱۲۴	خاستگاه های اجتماعی - فرهنگی اعتقاد به «نگرش مشبت»
۱۲۶	یک راهنمایی کاتولیکی برای آرامش روح
۱۲۹	افیون؛ دین مردم
۱۳۴	شرایطی که حامی حشائشی است
۱۳۴	۱- شرایط ساختاری
۱۳۴	۲- شرایط فرهنگی
۱۳۵	۳- شرایط خوی شناسانه
۱۳۷	جست وجو از زندگی مطمئن در ژاپن
۱۴۱	دین و سلامتی
۱۴۳	روان شناسی اجتماعی فرقه کریسچین ساینس
۱۵۱	پی نوشت های دین و نیازهای فرد (۱)

۸ = دین و چشم اندازهای نو

۱۵۹	دین و نیازهای فرد (۲) (تعامل با جنبش‌های غیردینی)
۱۶۰	دین و روان‌پزشکی
۱۶۶	روان‌کاوی و دین
۱۶۶	تئوری فروید در باب دین
۱۷۵	تعدیل دیدگاه فرویدی نسبت به دین
۱۸۲	پی‌نوشت‌های دین و نیاز فرد (۲)
۱۸۷	مبناگری و شناخت‌شناسی دینی

پیشگفتار

دین حقیقتی است انکارناپذیر که بر همه ابعاد زندگی انسانی سایه افکنده و حضور خود را همواره و در همه چیز نمایانده است. کسانی با این حقیقت زندگی و آن را لمس می کنند و چون هوای پیرامون خود آن را تجربه می کنند، بی آنکه در آن تأمل نمایند و بدان نظر استقلالی بیفکنند. برای این کسان با دین باید زیست و نه چیز دیگر. از این رو از هر گونه چون و چرا بی در آن می پرهیزند. لیکن کسان دیگری هستند که در این حقیقت - چون دیگر حقایق - خود را نیازمند تأمل می بینند و با آن چون موضوعی محتاج بررسی مواجه می شوند و برای دست یابی به نتایجی پرسش هایی طرح و راهی دنبال می کنند.

چه از سر تحقیق به دین بنگریم و پرسش هایی طرح کنیم و چه به دیده تردید آن را وارسی کنیم، نتیجه یکسان است، اما مشروط بر آنکه در این «دشت مقدس طوی» نعلین پیشداوری، تعصّب و فریب از پای بیرون کنیم و اجازه دهیم تا حقیقت همان گونه که هست خود را بنماید که «حتّی یتبین انه الحق».

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که در آن ها متفکرانی کوشیده اند، با چشم های شُسته، بار دیگر حقیقت دین و گوهر آن را ببینند و نشان دهند.

۱۰ = دین و چشم اندازهای نو

در هر مقاله از منظری به دین نگریسته شده است، که این منشور همه رنگ‌ها را می‌تاباند و خود فراتر از آن‌هاست. خواندن این مقالات، مارا به یک نکته واقع می‌کند و آن اینکه بشر در این زمینه چه کم می‌داند «وما أوتیتم من العلم الا قلیلاً».

زحمات همه دست اندکاران نشر این کتاب بویژه مترجم آن فاضل محترم جناب آقای غلامحسین توکلی، شایسته سپاسگزاری است.

بعنه و کرمه

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «بیرون‌هشگاه»

یادداشت مترجم

بسمه تعالیٰ

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از هشت مقاله. چهار مقاله اول از آن پی. آستون است و سه مقاله بعد از میلتون ینگر و آخرین مقاله از دکتر محمد لگناوسن. این مقالات هر یک از زاویه‌ای به دین پرداخته‌اند: نگاه آستون، نگاه یک فیلسوف دین است و لذا در مقالات وی با آن قبیل مشکلات و مسائل آشنا می‌شویم که فلاسفه دین و متکلمان با آن دست به گریبان اند. این مسائل بیشتر صبغه عقلی و انتزاعی دارند. اما نگاه ینگر به دین نگاه یک جامعه‌شناس دین و روانکاو اجتماعی است. از دو مقاله دین و نیازهای فردی، در می‌یابیم که دین فارغ از مسائل پیچیده‌ای که متکلمان و فیلسوفان دین به آن مشغولند به راه خود می‌رود و حتی در غرب، که به زعم بسیاری کانون دین ستیزی است، دین به جای آنکه راه زوال پوید هر روزه نشاطی بیشتر می‌یابد و حضورش در جوامع قوی‌تر می‌شود. این امر نشانگر آن است که انسان سلسله نیازهایی دارد که جز دین هیچ نهادی پاسخگوی آن نیست و هم از این روست که اغلب مردم، بی‌آن که به معضلات کلامی کاری داشته باشند، به دین رو می‌کنند و حل مشکلات روحی

و دلو اپسی های خود را از آن می خواهند. در مقاله دکتر لگنه او سن نیز به رابطه دین با معرفت شناسی جدید مطرح می گردد.

منظور از ترجمه این مقالات آشنا ساختن دین پژوهان و محققان فارسی زبان با برخی از مسائلی است که در حیطه دین در جریان است؛ به این قصد که گامی باشد، هر چند کوچک در پویایی و بالندگی مسائل کلامی و آشنایی محققان ما با نشاط دینی در غرب معاصر.

چون همان گونه که بیان شده یک از مقالات از زاویه ای به دین می پردازد، در ذیل به طور فشرده موضوع بحث در هر یک از این مقالات هشت مطرح می شود:

* آیا می توان برای دین تعریفی جامع و مانع ارائه کرد؟ در مقاله «دین» آستون می کوشد پاسخی بیابد برای این سؤال. وی ابتدا به وارسی تعاریف موجود پرداخته و کاستی های آن را برشمرده و نشان می دهد که هیچ یک از آن ها واجد شرایط لازم و کافی نیست و اشکال عمدۀ این تعاریف یک بعدی بودن آنهاست. اما شاید تعریف کنندگان نخواسته اند تعریفی جامع ارائه دهند و صرفاً در این اندیشه بوده اند که منشأ دین را روشن کنند یا می خواسته اند بیر چیزی انگشت گذارند که از نظر آنان جوهره دین را تشکیل می دهد؟ این دو وجه نیز آستون را خرسند نمی کند و او در آخر به این نتیجه می رسد که شاید ارائه تعریفی جامع ممکن نباشد. از این رو وی مسیری دیگر در پیش می گیرد: مشخصه های دین ساز را مطرح می کند و می گوید به نسبتی که این مشخصه ها در جایی بیشتر وجود داشته باشد با قطعیت بیشتری می توان واژه دین را در آن مورد به کار برد. وی در اواخر مقاله، ادیان را به سه طبقه شعائری، نبوی و عرفانی تقسیم می کند و خصوصیات هر یک را برمی شمرد.

* در بحث «زبان دینی» آستون به گزاره های کلامی می پردازد. او در ابتدا شرح می دهد که چرا با وجود کثرت و گونه گونی بیانات دینی، موضوع بحث در مباحث مربوط به زبان دین گزاره های کلامی است؛ یعنی، سنه ۱۰ -

با وجود و افعال موجودات فوق طبیعی سروکار دارد. در مباحث مربوط به گزاره‌های کلامی نیز تکیه بر محمول این گزاره‌هاست و مشکل عمدۀ این است که چگونه کلمات و مفاهیمی که در اصل برگرفته از تجربیات روز مرۀ است و مأнос و متناسب با جهان مادی و متدرج، می‌تواند قابل اطلاق به موجودات بسیط و عاری از قید زمان باشد. در ادامه، مؤلف به تئوری تحقیق‌پذیری معنا و چالش آن با گزاره‌های کلامی می‌پردازد. اگر این تئوری معتبر باشد تنها گزاره‌هایی معنادارند و حاکی از واقع خارجی که به حیث تجربی قابل تحقیق باشند. نظر نهایی نویسنده این است که نمی‌توان گفت گزاره‌های دینی به هیچ وجه قابل تحقیق نیستند. حال بر پایه این فرض که تئوری تحقیق‌پذیری معنا معتبر باشد و گزاره‌های دینی تحقیق‌پذیر و حاکی از واقع خارجی نباشند، آیا می‌توانند کارکردهایی دیگر داشته باشند؟ در این باره چهار نظریه مطرح است که مولف آن‌ها را طرح می‌کند: تفسیر مبنی بر ابراز احساسات، تفسیر نمادین، تفسیر شعائیری و تفسیر اسطوره‌ای.

* در قرن بیستم علوم انسانی عمدۀ ترین تأثیر را بر دین داشته‌اند و برخلاف نجوم، فیزیک و زیست‌شناسی، که در قرن‌های قبل با بخشی از آموزه‌های دینی در تراحم بودند، در تئوری‌های جدیدی که از ناحیه علوم انسانی مطرح می‌شد، تلاش بر این بوده که اساس دین را زیر سؤال بردند. یکی از مشهورترین تئوری‌ها از آن فروید است. آلتون در مقاله «تبیین‌های روان‌شناختی از دین» نظریات فروید را درباره چگونگی پیدایی دین مورد بحث قرار داده و به نقد آن پرداخته است. او نشان می‌دهد که تئوری فروید از اتقان کافی برخوردار نیست و شواهد لازم آن را تأیید نمی‌کند و اگر هم این تئوری معتبر بود، نمی‌توانست از دین سلب اعتبار کند؛ چرا که متدينان در حمایت از آموزه‌های دینی خود دلایل عقلی اقامه می‌کنند که استحکام دینشان به استحکام این دلایل بستگی دارد و نه به این که گرایش آنان به دین به چه دلایل روان‌شناختی صورت گرفته است.

* طبیعت گرایان به چیزی و رای جهان طبیعت اعتقاد ندارند، از نظر آنان با انکار موجودات فوق طبیعی دیگر جایی برای ادیان و مسلک هایی که براساس اعتقاد به مابعدالطبیعه شکل گرفته اند باقی نمی ماند. اما انکار نمی توان کرد که دین در حیات جمعی و فردی انسانها دارای کارکردهایی فراوان و متنوع است و حذف دین نوعی خلاً به وجود می آورد و این سؤال را مطرح می سازد که اگر دین نباشد، این کارکردها را از کدام نهاد باید انتظار داشت؟ برخی از طبیعت گرایان که متوجه این اشکال بزرگ شده اند سعی کرده اند دینی بنا کنند که در عین حال که همان کارکردهای نوعی مذاهب را داراست، بر باورهای فوق طبیعی متکی نباشد. اما با حذف خداوند چه چیزی را می توان به عنوان متعلق پرستش برگرفت؟ این مشکلی است که طبیعت گرایان با آن مواجهند. برخی از آنان بر انسانیت و میراث های فرهنگی جامعه انگشت گذاشته اند و برخی طبیعت غیرانسانی را متعلق پرستش قرار داده اند. آکستون در مقاله «احیای طبیعت گرایانه دین» گزارشی کوتاه از تلاش هایی ارائه می کند که کنت، جان دیوئی، هاکسلی و امثال آنان در این باره داشته اند. به هر حال این تلاش ها از توفيق چندانی برخوردار نبوده است.

* میان علم و دین به لحاظ منطقی چهارگونه رابطه محتمل است. آنها را می توان به دو حوزه کاملاً متفاوت متعلق دانست که طبعاً کاری به کار هم ندارند، و می توان هر دو را یکی دانست. احتمال سوم آن است که میان آنان تعارض و اصطکاک برقرار باشد، اما در این تعارض اولویت با دین باشد. و احتمال چهارم این که در این تعارض اولویت را به علم دهیم. این چهار رابطه در تاریخ مطرح بوده و در جوامع مسیحی معتقدانی داشته است، که یینگر در مقاله «دین و علم» به آن می پردازد. مؤلف در ضمن بررسی این محورها مسائلی خواندنی را طرح می کند، از جمله این که آیا میان ارتقای سطح تحصیلات افراد باشد و ضعف تدين آنها و نحوه نگرش آنها به چند و چون مناسبت علم و دین، رابطه ای،

وجود دارد؟ تأثیر دین بر علم چگونه است و علم چه نوع تأثیراتی روی دین داشته است؟ وبالاخره در پایان مقاله به دین و تعلیم و تربیت می‌پردازد و تفاوت‌های احتمالی کسانی را که از تعلیم و تربیت کلیساوی بخوردار بوده‌اند با دیگران بررسی می‌کند.

* در مقاله «دین و نیازهای فرد» میلتون یینگر از نیازهایی صحبت می‌کند که انسان معاصر را به سمت دین می‌کشد: آوارگی روحی، تحیر، احساس بی‌پناهی، احساس پوچی و افسردگی و تنها‌بی. این‌ها به نوبه خود معلول فشارهایی هستند که پیشرفت صنعت و تغییر و تبدلات عمیقی که به تبع آن در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده بر فرد وارد آورده‌اند. گرچه در سابق هم این مشکلات و نابسامانی‌های روحی اشبهاء و نظایر خود را داشته‌اند، اما هیچ گاه به این حدّت و شدت نبوده‌اند. از این‌رو امروز، در جوامع پیشرفته صنعتی، افراد، سرخورده از تمدن جدید و جهت حل معضلات روحی و گریز از پوچی و افسردگی به جستجوی دین بر می‌خیزند و جنبش‌های دینی مدعی پاسخ‌گویی به این نیازها، از اقبالی‌عام و فراگیر بخوردارند. البته در هر جامعه، بسته به سوابق فرهنگی و ساختارهای خاص آن جامعه، هر یک از این جنبش‌های دینی، شکل و چارچوبه‌ای خاص به خود می‌گیرد، اما وجه مشترک همه آنان تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان امروزین است. مؤلف به تفصیل از جنبش گروه آکسفورد و افرادی که جذب آن می‌شوند، فرقه معرفت مسیحی و دیدگاه نگرش مثبتی، که نور من سنت پیل در میان پروتستان‌ها مروج آن است، و خاستگاه‌های اجتماعی-فرهنگی که موجب روی‌آوری مردم به این رویکرد شده بحث می‌کند و بعد به حرکتی می‌پردازد که کشیش فلوتون شین در میان کاتولیک‌ها به پا کرده است. سپس به ژاپن می‌رود و حرکت‌هایی مثل «سوکاگاکای» و امثال آن را بررسی می‌کند که از نفوذی گسترده بخوردار شده‌اند. به مناسبت، به دین و افیون می‌پردازد و سپس دغدغه خاطر دین نسبت به سلامتی روحی و جسمی